

یکصد و ده قاعده حقوقی

قسمت پایانی

دکتر ممد رضا بندرچی
(عضو هیأت علمی دانشگاه)

یعنی: دادرس بر کسی که فاقد ولی است
ولایت دارد.
(ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی - ماده ۲۶۶ قانون
مجازات اسلامی)

۵۶- الْحَاكِمُ وَارِثٌ مَنْ لَا وَارِثَ لَهُ.
یعنی: حاکم وارث شخص بدون وارث است.
(ماده ۸۶۶ قانون مدنی)

۵۷- الْعَائِبُ عَلَى حُجَّتِهِ.
یعنی: شخص غایب در دادرسی حق اقامه
دلیل دارد.

(القواعد الفقهیه، ج ۳، ص ۸۶ - ماده ۳۰۵ به
بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۲۹)

۵۴- الْحَاكِمُ وَوَلِيُّ الْمُتَمَتِّعِ.

یعنی: دادرس بر شخص امتناع کننده از
انجام تکلیف، ولایت دارد.

(ماده ۲۳۷ و ۸۲۳ قانون مدنی)

۵۵- الْحَاكِمُ وَوَلِيُّ مَنْ لَا وَلِيَّ لَهُ.

دادرس بر شخص

امتناع کننده از انجام

تکلیف، ولایت دارد

۵۱- لَا مَهْرَ لِبَغِيَّةٍ.

یعنی: زن زانیه، مهریه ندارد.

(قیاس اولویت و مفهوم مخالف ماده ۱۰۹۹

قانون مدنی)

۵۲- الْغَاصِبُ يُؤْخَذُ بِأَشَقِّ الْأَحْوَالِ.

یعنی: با غاصب به شدیدترین احکام رفتار
می شود. (جواهر الکلام، کتاب غضب، ص ۱۰)

۵۳- لَا يَنْسَبُ لِلْسَاكِتِ قَوْلٌ.

یعنی: به شخص سکوت کننده چیزی
منسوب نمی شود.

(سیوطی، الاشباه و النظائر، صص ۱۴۲ و

۱۴۳ - ماده ۲۴۹ قانون مدنی)

۵۸ - اَلْبَيْعَانُ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَفْتَرِقَا.
(حدیث نبوی)

یعنی: متبایعین تا زمانی که از هم جدا نشده‌اند حق خیار دارند.

(مجله الاحکام العدلیه، ماده ۴ - کانون زبان، عقود معین، ص ۴۶ - ماده ۳۹۷ قانون مدنی)

۵۹ - اَلْكِتَابُ كَالْخِطَابِ.

یعنی: نوشته مثل گفته است.

۶۴ - اَلْسَاقِطُ لَا يَعُودُ كَمَا اِنْ اَلْمَعْدُومَ لَا يَعُودُ.

یعنی: حق ساقط شده باز نمی‌گردد همچنان که چیز از بین رفته حیات نمی‌یابد.

(تحریرالمجله، ج ۱، صص ۳۶ و ۳۸ - بند ۳ ماده ۲۶۴ و مواد ۲۸۹، ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مدنی)

۶۶ - اَلشَّرْطُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ اِلَّا شَرْطًا اَحَلَ حَرَامًا اَوْ حَرَّمَ حَلَالًا.

یعنی: شرط کردن بین مسلمانان جایز است مگر شرطی که حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید.

(تحریرالمجله، صص ۷۵ و ۷۶ - ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

۶۷ - اَلشَّرْطُ الْفَاسِدُ لَيْسَ بِمُفْسِدٍ.

یعنی: شرط فاسد عقد را باطل نمی‌کند.

(القواعد الفقهیه، ج ۴، صص ۲۰۰، ۲۱۷، ۲۱۸ - ماده ۲۳۲ قانون مدنی)

۶۸ - اَلطَّلَاقُ يَبْدُ مِنْ اَخَذِ بِالسَّاقِ.
(حدیث نبوی)

یعنی: طلاق به دست کسی است که عقد به دست اوست. (مرد)

(حقوق خانواده، محقق داماد، صص ۱۳۶ و ۱۳۷ - ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی)

۶۹ - اَكَلُ مَالٍ بِهٖ بَاطِلٌ.

متن: یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراص منکم.... (نساء / ۲۹)

یعنی: اموال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر این که براساس تجارتي رضایت‌آمیز باشد.

۷۰ - اَلْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ.
(حدیث نبوی)

یعنی: مؤمنان به شرطهایشان پایبندند. (محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، ص ۳۷)

۷۱ - نَهَى النَّبِيُّ عَنِ الْقَرْرِ. (حدیث نبوی)

شرط کردن بین مسلمانان جایز است مگر شرطی که

حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید

۶۵ - اَلصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ اِلَّا صُلْحًا اَحَلَ حَرَامًا اَوْ حَرَّمَ حَلَالًا.

یعنی: عقد صلح بین مسلمانان جایز است مگر صلحی که بخواهد حرامی را حلال کند یا حلالی را حرام نماید.

(القواعد الفقهیه، ج ۵، صص ۸ و ۳۹ - ماده ۷۵۴ قانون مدنی)

(القواعد والفوائد، ج ۱ ص ۱۹۸ - دانشنامه حقوق، ج ۴، صص ۴۲۲ - ۴۲۷)

۶۰ - اَلْحَرَامُ لَا يُحْرَمُ اِلَّا بِالْحَلَالِ.

یعنی: عمل حرام بعدی، حلال قبلی را حرام نمی‌کند.

(تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۸ - ماده ۱۰۵۵ قانون مدنی)

۶۱ - اَلْحَقُّ الْقَدِيمُ لَا يُبْطَلُهُ شَيْءٌ

یعنی: چیزی نمی‌تواند حق به‌وجود آمده قبلی را از بین ببرد. (ماده ۹۷ قانون مدنی)

۶۲ - اَلْحَقُّ لِلْمُتَقَدِّمِ.

یعنی: اگر کسی ابتدا اقدام به ایجاد حقی نماید نسبت به آن بر دیگران اولویت دارد.

(ماده ۱۴۲ قانون مدنی)

۶۳ - اَلْخِرَاجُ بِالضَّمَانِ.

یعنی: منافع در مقابل ضامن بودن است. (شرح‌المجله، ج ۱، صص ۵۶ و ۵۷)

اگر کسی ابتدا

اقدام به ایجاد حقی

نماید نسبت به آن بر

دیگران اولویت دارد

۷۷ - إِفَامَةُ الْحُدُودِ إِلَى مَنْ إِلَيْهِ الْحُكْمُ.

یعنی: اجرای حدود و مجازات‌ها به دست حاکم است. (اصل ۳۶ قانون اساسی)

۷۸ - الْأَمْتِنَاعُ بِالِاخْتِيَارِ لَا يُنَا فِي الْاِخْتِيَارِ.

یعنی: از روی اختیار و قدرت اگر باعث تحقق چیزی شویم، موجب نمی‌شود که فاعل را مسلوب‌الاختیار تلقی کرد.

(دائرة المعارف حقوق، ج ۵، ص ۵۰-ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی)

۷۹ - قَاعِدَةُ دَرَأٍ.

متن: الْحُدُودُ تُدْرَأُ بِالشَّبَهَاتِ.

یعنی: اجرای حدود با حصول شبهه متوقف می‌شود.

(الاشباه و النظائر، صص ۱۲۲ و ۱۲۳ - مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامی)

۸۰ - دَمُ الْمُسْلِمِ لَا يَذْهَبُ هَدْرًا.

یعنی: خون مسلمان نباید پایمال شود.

(مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی)

۸۱ - الضَّرُورَاتُ تَقْدَرُ بِقَدْرِهَا.

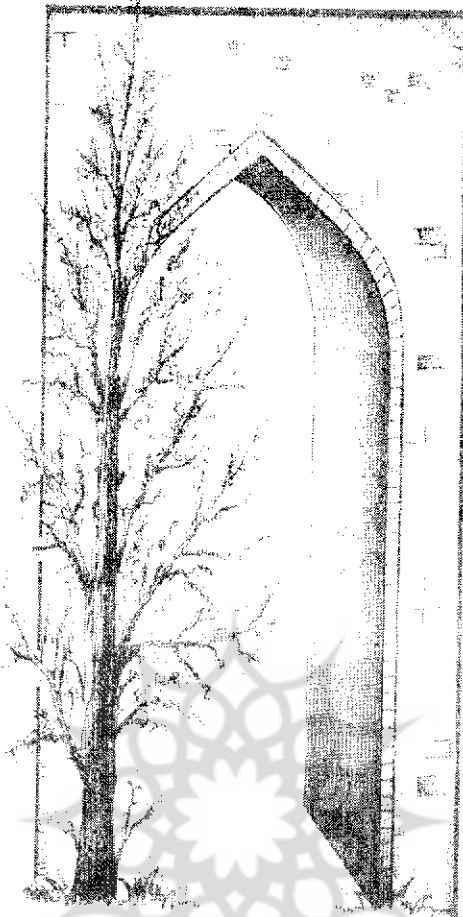
یعنی: در موارد ضروری باید به حداقل اکتفا کرد. (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی)

۸۲ - الضَّرُورَاتُ تُبِيحُ الْمَحْظُورَاتِ. (حقوق رم: babet legem) (Necessitas non

یعنی: ضرورتها باعث مباح شدن امور ممنوعه می‌شود.

(سوره مائده/۳ - سیوطی، الاشباه و النظائر،

ص ۶۰-ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی)



از روی اختیار و قدرت اگر باعث تحقق چیزی شویم، موجب نمی‌شود که فاعل را مسلوب‌الافتیاری تلقی کرد

یعنی: معامله غرری (زبان آوری که نتیجه آن نامعلوم است) باطل است.

(دکتر محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص ۹۴)

۷۲ - اَوْفُوا بِالْعُقُودِ. (مائده/۱)

یعنی: به پیمانها و قراردادهای خود وفا کنید. (ماده ۱۰ قانون مدنی)

قواعد کیفری

۷۳ - لَا تَقِيَّةَ فِي الدِّمَاءِ.

یعنی: جایی که پای جان در میان است تقیه جایز نیست.

(وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۳ - مکاسب، ج ۴، ص ۳۵۶)

۷۴ - عَمْدُ الصَّبِيِّ بِمَنْزِلَةِ الْخَطَاةِ -

یعنی: فعل عمدی کودک همانند فعل خطایی محسوب می‌شود.

(القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۲۲۳)

۷۵ - لَا كِفَالَةَ فِي الْحَدِّ. (حدیث نبوی)

یعنی: شفاعت کردن و درخواست به تأخیر انداختن، در حدود جایز نیست.

(ترمینولوژی حقوق، ش ۴۵۰۸)

۷۶ - قَاعِدَةُ جَبِّ.

متن: الْأَسْلَامُ يُجِبُّ مَا قَبْلَهُ. (حدیث نبوی) یعنی: مسلمان شدن، گناهان پیش از آن را پاک می‌کند.

(القواعد الفقهیه، ج ۱، صص ۲۶، ۳۹، ۴۶ - اصل ۱۶۹ قانون اساسی - ماده ۱۱ قانون

مجازات اسلامی - ماده ۴ قانون مدنی)

قواعد اصولی و مشترک

۸۹- قاعده اذن.

متن: الْأَذْنُ فِي الشَّيْءِ إِذْنٌ فِي لَوَازِمِهِ.
یعنی: اذن دادن در چیزی، اذن در لوازم آن نیز هست.

(القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۷۰، قاعده ۱۶۷)

۹۰- قاعده اشتراک.

متن: همه مسلمانان در همه عصرها و زمانها نسبت به تکالیف شرعیه یکسانند.

۹۱- قاعده تساقط.

متن: الدَّلِيلَانِ إِذَا تَعَارَضَا تَسَاقَطَا.
یعنی: اگر دو دلیل با هم معارض بودند هر دو از درجه اعتبار ساقطند.

۹۲- وَأَنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي عَنِ الْحَقِّ

شَيْئاً (سوره نجم / ۲۸)

یعنی: و گمان، هیچ گاه چیزی از حق را بر ما روشن نمی سازد.

۹۳- الْوَلَدُ يَلْحَقُ بِأَشْرَفِ الْوَالِدِينَ.

یعنی: فرزند به والد شریف تر (مسلمان) تعلق می گیرد. (از حیث مسلمان بودن).

۹۴- عدل و انصاف.

متن: اگر در تعلق مالی به یکی از دو نفر مردد باشیم بین آن دو بالمناصفه تقسیم می گردد.

۹۵- فحوا

رعایت مفهوم موافق در جمله یا دستور و سرایت دادن حکم از فرد ضعیف به فرد قوی.

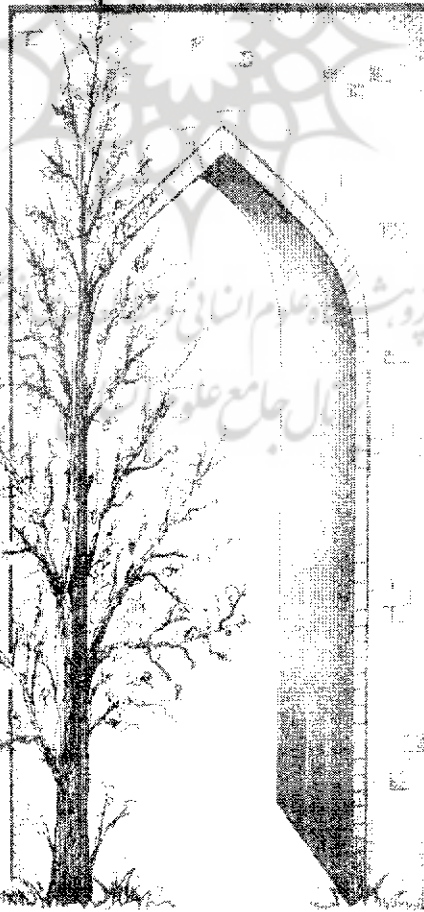
کار قابل انجام

دادن به واسطه

مذوث کار غیر

ممکن، از گردن

ساقط نمی شود



۸۳- قاعده اَرش.

متن: كُلُّ جُنَايَةٍ لَا مُقَدَّرَ لَهَا فِيهَا أَرَشٌ.
یعنی: بر هر جنایتی که دیه اش معین نشده، ارش تعلق می گیرد.

(ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی)

۸۴- كُلُّ عَضْوٍ تَقْتَضِي مِنْهُ مَعِ وُجُودِهِ تَوَخُّدُ الدِّيَةِ مَعَ فَقْدِهِ.

یعنی: هر عضوی که موجود است باید قصاص شود و در صورت فقدان، به جایش دیه گرفته می شود.

(ماده ۲۹۳ قانون مجازات اسلامی)

۸۵- قاعده اضطرار.

متن: كُلُّ مُحْرَمٍ اضْطَرَّ إِلَيْهِ فَهُوَ حَالِلٌ.
یعنی: در حال اضطرار، هر حرامی، حلال می شود. (ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی)

۸۶- كُلُّ مَنْ لَمْ يَبَاشِرْ بِالْقَتْلِ لَمْ يُقْتَضِ مِنْهُ.

یعنی: هر فردی که مباشر قتل نباشد قصاص نمی شود.

(تبصره ۱ ماده ۲۶۹ و ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی)

۸۷- لَا دِيَةَ لِمَنْ قَتَلَهُ الْحَدُّ.

یعنی: دیه به کسی که بر اثر اجرای حد کشته شده باشد، تعلق نمی گیرد.

(ملاک ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی)

۸۸- لَا رِبَا إِلَّا فِيمَا يَكَالُ أَوْ يُوزَنُ.

یعنی: ربا جز در اموال مکیل و موزون جاری نیست.. (ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی)

۱۰۴ - قُبِحَ تَأَخَّرَ بَيَانُ دَرِ وَقْتِ حَاجَتِ .
بیان نکردن مراد و مقصود در موقع نیاز
بدان ناپسند است، ولی سکوت در وقت بیان
خود نوعی بیان است.

۱۰۵ - مَا مِنْ عَامٍ إِلَّا وَقَدْ حُصِّنَ .
هیچ عامی نیست که تخصیص نخورده
باشد.

۱۰۶ - وَصَفَ بِهٖ مَوْصُوفٌ نَزْدِيكَ تَرِ
برمی گردد.

اگر چند موصوف با یک وصف بیان شده
باشند آن وصف، متعلق به موصوف آخر خواهد
بود.

۱۰۷ - مَوْرِدٌ، مَخْصَصٌ نَيْسَتْ .
اگر چیزی برای مورد خاصی ذکر شده
باشد، دلیل بر آن نیست که فقط به آن مورد
خاص تعلق دارد.

۱۰۸ - اِلْجِهَادُ لَا يَنْقُضُ بِيْمَنَلِهٖ .
اجتهاد را اجتهاد دیگر نقض نمی کند.
(الاشباه والنظائر، ص ۴۱ - تحریرالمجله، ج
۱، ص ۲۲)

۱۰۹ - اِذَا جَاءَ الْاِحْتِمَالُ بَطَلَ
الِاسْتِدْلَالُ .
اگر احتمال به جایی وارد شود استدلال
فایده ای ندارد.

(دکتر محمدی، قواعد فقه، ص ۱۶۱)

۱۱۰ - اِذَا زَالَ الْمَانِعُ عَادَ الْمَمْنُوعُ .
اگر مانع برطرف شود موضوع منع شده
به جای خود برمی گردد.

(دانشنامه حقوقی، ج ۴، صص ۴۲۲ - ۴۲۷)

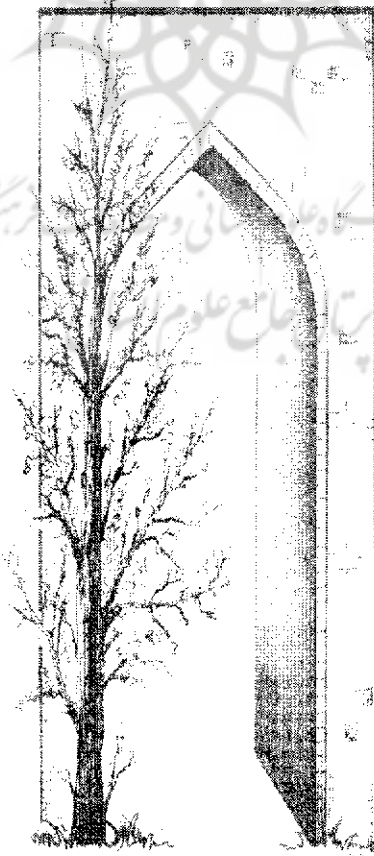
دیه به کسی که

بر اثر اجرای مدّ گشته

شده باشد، تعلق

نمی گیرد

۱۰۳ - الْمَطْلُوقُ يَنْصَرِفُ اِلَى قَرْدِ شَائِعِ .
معنی و مفهوم موضوع مطلق، به فرد شایع
و رایج آن منصرف است.



مثل آیه (لَا تَقْلُ لَهُمَا اَقْب) که به طریق اولی،
ضرب و شتم والدین را هم نهی می کند.

۹۶ - مَقْدَمُهُ وَاجِبٌ، وَاجِبٌ اسْتِوَالِي مَقْدَمُهُ
حرام، حرام نیست مگر موصل به حرام باشد.

۹۷ - قَاعِدَةُ تَلَاظُمِ .
متن: كُلُّمَا حَكَمَ بِهٖ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهٖ الشَّرْعُ وَ
كُلُّمَا حَكَمَ بِهٖ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهٖ الْعَقْلُ .
یعنی: بر هر چه که عقل حکم کند، شرع هم
حکم می کند و بر هر چه که شرع حکم
می کند، عقل هم حکم می نماید.

۹۸ - الْمَمْنُوعُ شَرْعاً كَالْمَمْتَنِعِ عَقْلاً .
یعنی: چیزی که شرعاً ممنوع است گویا
عقلاً هم قابل انجام نیست.

(تحریرالمجله، ص ۳۴)

۹۹ - اجْتِهَادٌ دَرِ مَقَابِلِ نَصِّ جَائِزٌ نَيْسَتْ .
(تحریرالمجله، ج ۱، ص ۲۱ - اصل ۱۶۷
قانون اساسی)

۱۰۰ - الْمَيْسُورُ لَا يُسْقَطُ بِالْمَعْسُورِ .
یعنی: کار قابل انجام دادن به واسطه حدوث
کار غیرممکن، از گردن ساقط نمی شود.

(القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۱۲۱)

۱۰۱ - اِعْمَالُ الْكَلَامِ اَوْلَى مِنْ اِهْمَالِهٖ .
برای کلام و عبارت به کار رفته، معنی و
مفهوم قابل شدن، بهتر از بیهوده پنداشتن آن
است.

۱۰۲ - الْاَصْلُ دَلِيْلٌ حَيْثُ لَا دَلِيْلُ .
اصل در جایی قابل استناد است که دلیل
قانونی موجود نباشد.

(عوائد الايام، ص ۷۳ - مواد ۱۹۷ و ۱۹۸

قانون آیین دادرسی مدنی)